

ارزیابی انتقادی دیدگاه برخی روشنفکران درباره صدور انقلاب اسلامی

علی اکبر عالمیان*

چکیده

مسئله صدور انقلاب اسلامی از مسائل پرمناقشه در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بوده است. برخی از روشنفکران همچون مهندس مهدی بازرگان با دید انتقادی به آن نگرسته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی نگاه انتقادی وی نسبت به سیاست صدور انقلاب و ارزیابی آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهندس بازرگان دو نگاه به این مسئله داشت؛ در دیدگاه ابتدایی او موافق با این مقوله بوده و در دیدگاه پسینی وی ازجمله منتقدین جدی این ایده به‌شمار می‌آید. ایشان به مسائلی همچون تحمیلی بودن صدور انقلاب، گریزان شدن ملت‌ها از انقلاب، انزوای انقلاب اسلامی، رفتن مسلمانان به دامن کفار و... به‌عنوان عوامل مدعای خود در مخالفت با این مسئله اشاره می‌کند. در پاسخ به این دیدگاه نیز می‌توان به مسائلی نظیر طبیعی بودن صدور انقلاب، جذب بسیاری از ملت‌ها به انقلاب اسلامی، عدم انزوای انقلاب اسلامی باتوجه‌به بیداری ملت‌ها و روی آوردن جوانان به دین و... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: صدور انقلاب اسلامی، ارزیابی انتقادی، امام خمینی (ره)، مهدی بازرگان.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران منشأ تحولاتی بزرگ در منطقه و جهان گردیده است. این تحولات در قالب مواردی نظیر بیداری آزادی‌خواهان جهان و احیای هویت دینی معنا می‌یابد. ازجمله ثمرات انقلاب در منطقه و جهان، مسئله صدور انقلاب اسلامی است که به‌عنوان یک اصل در تبیین انقلاب اسلامی ایران به شمار آمده و نقشی کم‌مانند در ارسال پیام انقلاب به اقصی‌نقاط جهان داشته است. درواقع می‌توان گفت که ضرورت شناسایی مفاهیم جدید انقلاب و عرضه آنها به مشتاقان و طالبان حقیقت در سطح جهان موجب می‌شد تا مسئله صدور انقلاب از اهمیت فراوانی برخوردار شده و به‌عنوان یک وظیفه حتمی و انقلابی به شمار آید. صدور انقلاب به معنای انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان است. امام خمینی رحمته‌الله در تبیین مفهوم صدور انقلاب اسلامی می‌گویند: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد.» درواقع صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است؛ صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار و حمایت از مستضعفان و... که باتوجه به اهمیت آن همواره مدنظر امامین انقلاب بوده و در هرزمانی بر انجام آن مورد تأکید قرار گرفته است.

درعین‌حال برخی از جریان‌ها که میانه خوبی با انقلاب نداشته‌اند، به مخالفت با این مسئله پرداخته و نقدهای فراوانی را به مسئله صدور انقلاب وارد کرده‌اند. در رأس این جریان می‌توان به مهندس مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳) اشاره کرد که در شمار روشنفکران دینی با گرایش‌های متجددانه و ملی‌گرایانه قرار می‌گیرد، نوشتار پیش رو در مقام پاسخگویی به این سؤال است که نگاه انتقادی مهندس بازرگان نسبت به سیاست صدور انقلاب چه بوده و چگونه ارزیابی و نقد می‌شود؟



بررسی موضوع صدور انقلاب در اندیشه مهندسی بازرگان

یکی از مباحث پرمناقشه در اندیشه مهندس بازرگان، نگاه او به مسئله صدور انقلاب است. او در حالی این ایده را شدیداً نقد می‌کند و زیر سؤال می‌برد که در برهه‌ای از عمر سیاسی خود، از آن دفاع می‌کرد. بازرگان مدافع تئوری صدور انقلاب معتقد بود که «انقلاب و نظام حاصله، دارایی ریشه‌های عمیق در نفوس جامعه و متکی به دست‌های کثیر رجال مصمم بوده و نمی‌تواند یک پدیده جدی و تحول طبیعی تلقی نشود» (بازرگان، ۱۳۹۱، ج ۲۴، ص ۲۴۲)؛ طبیعتاً این انقلاب با این ابعاد گسترده نمی‌تواند محصور در ایران باقی بماند؛ چراکه چه بخواهد و چه نخواهد با سرنوشت جهان سروکار پیدا کرده است:

انقلاب اسلامی ایران، نه یک جهش ساده اجتماعی یا جرقة تصادفی بوده است که خاموش شده باشد و نه یک واقعه تاریخی یا تابلوی هنری است که روی آن مختصر توصیف و اظهارنظری کرده و رد شویم. همانند موجود زنده‌ای است که در تحرک و تبادل و تحول دائم بوده، پا روی ۲۵۰۰ سال تاریخ کهن کشور گذارده و امروز، نه تنها سرنوشت یک ملت و یک کشور را تعیین می‌نماید؛ بلکه با سرنوشت جهان سروکار پیدا کرده است (همان، ج ۲۴، ص ۲۰۲). [۱]

بازرگان انقلاب اسلامی ایران را انقلابی متمایز از سایر انقلاب‌ها می‌دانست و معتقد بود: انقلاب اسلامی ایران، با همه انقلاب‌های دنیا فرق دارد، از دو جهت هم فرق دارد: یکی از جهت اسمش است، یکی هم از جهت رسمش است و طرز عملش. اولاً این اسم اسلام را که رویش گذاشتند، همه ما، یعنی همه مسلمان‌ها حتی مسلمان‌های مثلاً نیجریه یا انگلستان یا چین - چون آنجا هم مسلمان هست - و ماها به این علاقه‌مندیم، نمی‌توانیم علاقه‌مند نباشیم؛ چون اسم اسلام را رویش گذاشتند (همان، ج ۲۴، ص ۱۵۰). [۲]

بر همین اساس، او یکی از دستاوردهای انقلاب را صدور آن می‌دانست و می‌گفت: «انقلاب اسلامی ایران که ناظر به ایران بود، ناظر بر جهان شد. اول، توجه به همسایه‌ها و ممالک مسلمان دوروبرمان بود، بعد از آنجا هم خارج شد و به اصطلاح، این شعار و این رسالت را انقلاب اسلامی ایران روی تعلیم و تلقین امام علیه السلام، به خودش داد که ما باید از مستضعفین جهان حمایت بکنیم، همان‌طور که در سوره قصص آمده است ما باید



مستکبرین را از بین ببریم، پوزه‌شان را به خاک بمالیم و اصلاً اعدام و فنای آنها را بطلبیم. مطلب دیگر صدور انقلاب بود. در زمان‌های قبل از پیروزی انقلاب، این مسئله به‌طور صریح - به‌طور ضمنی بله - خواسته و مطرح نبود، بعد مطرح شد که یکی از وظایف ما در انقلاب، صادرکردن آن به خارج و دنیاست، نه تنها صادرکردن انقلاب؛ بلکه اسلام» (همان، ج ۲۴، ص ۱۶۳).

بازرگان همچنین تصریح می‌کرد:

«آن‌قدر انقلاب ما بزرگ و فراگیر بود که از سرحدات ایران به خارج رفت. فکر نمی‌کنم هیچ انقلابی در دنیا این اندازه، مثل انقلاب ایران، چشم و نظر و فکر و زبان مردم خارج را به خود جلب کرده و این‌طور به‌کرات سیل خبرنگار و عکاسان را به ایران گسیل داشته باشد. این توجه و علاقه‌مندی افکار عمومی دنیا، یک‌پا همکاری با مبارزه ایران بوده و تأثیر عملی داشته است. اگر فکر کنید که شاه و دستگاه استبدادی، چه پول‌ها و چه ثروت‌ها برای خریدن افکار و عواطف مردم اروپا و آمریکا خرج می‌کردند و هدر می‌دادند، ولی در نتیجه حقیقت و حقانیت مبارزه و انقلاب ما، توجه و همکاری اقشار و مطبوعات خارج چه حد با ما بوده است، آن‌وقت به بنده حق می‌دهید از اینها نیز تشکر کنم؛ زیرا که انقلاب ما، انقلاب دنیایی است و همه با ما شریک‌اند» (همان، ج ۲۴، ص ۱۰۷). [۳]

همان‌طور که دیدیم، بازرگان انقلاب اسلامی را انقلابی جهانی می‌داند که همه ملت‌ها با ما در آن شریک‌اند. این همان معنا و مفهوم لزوم صدور انقلاب است؛ اما بازرگان به‌مرور از این نگاه دست می‌کشد و صدور انقلاب را بی‌فایده و درعین‌حال نامناسب می‌داند. به‌نظر می‌رسد که مشکل اصلی بازرگان را باید در دریافت نادرست او از صدور انقلاب جستجو کرد. مهندس بازرگان در مسئله صدور انقلاب، به مقایسه انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها می‌پردازد، درحالی‌که پیش‌ازاین، از تفاوت ماهوی انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها سخن می‌گفت:

در تاریخ سیاسی، اول‌دفعه فرانسوی‌ها بودند که مبادرت به صدور انقلاب خود و پاشیدن بذر آزادی‌خواهی کردند. قشون ناپلئون به هر کشور که می‌رفت، پرچم آزادی برمی‌افراشت و حامل پیام آزادی و برابری و برادری بود. ... انقلاب مارکسیستی اکتبر ۱۹۱۷م

شوروی به رهبری لنین، توأم با صدور انقلاب به کشورهای سرمایه‌داری صنعتی و دفاع از همهٔ رنجبران جهان بود که منتهی به تشکیل کمونیسم بین‌الملل و تأسیس کمینفرم یا اتحادیهٔ احزاب و دولت‌های کمونیستی گردید (بازرگان، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۱۶۴).

نقدهای مهندسی بازرگان به مسئلهٔ صدور انقلاب

عمدهٔ نقدهای بعدی بازرگان به مسئلهٔ صدور انقلاب را می‌توان در شش گزینه خلاصه کرد:

۱. ایدهٔ صدور انقلاب ایده‌ای تحمیلی است که موجب گریزان شدن ملت‌ها از انقلاب شد: «تز صدور انقلاب از طریق تحمیل نیز جایگزین تز الگو قرارگرفتن انقلاب گردید و این خود موجب شد که حساسیت‌های شدیدی در منطقه علیه انقلاب اسلامی ایران به وجود آید. مجامع بین‌المللی مورد رد و انکار واقع شدند» (بازرگان، ۱۳۹۱، ج ۲۴، ص ۴۸۱). [۴]

۲. ایدهٔ صدور انقلاب موجب انزوای انقلاب و حصارکشی به دور جمهوری اسلامی است: «ما نمی‌توانیم به نظر خارجی‌ها اهمیت ندهیم، چون می‌خواهیم صدور انقلاب بکنیم، چون می‌خواهیم صدور اسلام بکنیم. اگر ما مثل چینی‌های قرن هیجده می‌خواستیم حصاری دور کشورمان بکشیم و هیچ‌کس را راه ندهیم، کاری به دیگران هم نداشته باشیم، آزاد بودیم که توی خانه خودمان هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم؛ اما چون می‌خواهیم صدور اسلام بکنیم، صدور انقلاب بکنیم، باید به نظر خارجی‌ها و قضاوت آنها اهمیت داد» (همان، ج ۲۴، ص ۱۷۲). [۵]

۳. ایدهٔ صدور انقلاب موجب شده است که مسلمانان با کفار متحد شوند و به دامن آنها بیفتند:

«صدور انقلاب و تعارض و تشنج و تهدیدهایی که مخصوصاً در کشورهای خاورمیانه و همسایگان مسلمان علیه دولت‌هایشان به وجود آمده است، از نظر سیاسی، این اثر مثبت را برای آمریکا و اسرائیل داشته است که بیش‌ازپیش کشورهای منطقه را به دامن آنها انداخته است و هسته‌های اسارت و اتحاد با دولت‌های مسلمان و مرتجع و حتی اروپای غربی را به دور امپریالیسم آمریکا تقویت نموده است که این خود از نظر ایدئولوژیکی و رسالت اسلامی قابل‌بررسی و مطالعه است. به‌طور خلاصه ما وسیله شده‌ایم تا میان آنان و کفار وحدت ایجاد کنیم» (همان، ج ۲۴، ص ۲۱۴-۲۱۵). [۶]

۴. انقلاب به جای اینکه چهره ضد استبدادی و استقلال طلبانه ملی - اسلامی بگیرد، چهره سیاسی ضد امپریالیستی و آزادی بخش جهانی یافت:

«صدور انقلاب که زودتر از هر چیز قابل تبلیغ بود و جا باز کرد، در محتوای اسلامی آن و با عنایت خاص به همسایگان مسلمان، به مستضعفان جهان تعمیم یافت. به دنبال مستضعفان، به طور منطقی و متقابل، مستکبران جهان عنوان شدند که چون جهان خوارند و دشمن اسلام و ضد خدا و صاحب نظام الحادی و پرچم دار ضد انقلاب، باید سرکوب و ذلیل گردند. مصداق مقدم آنها آمریکای امپریالیست بود که از ماه هفتم پیروزی، حملات تندی را امام علیه آن آغاز کردند، بدون آنکه ذکر از عمل خاص یا جنایت تازه یا نقض عهده به میان آید. به دنبال معظم له این مسئله با شعارها و دعاها در منابر و مطبوعات مطرح گردید. به این ترتیب، انقلاب در حقیقت ضد استبدادی و استقلال طلبانه ملی - اسلامی ایران چهره سیاسی ضد امپریالیستی و آزادی بخش جهانی یافت» (بازرگان، ۱۳۹۱، ج ۲۳، ص ۳۳۳).

۵. شعار صدور انقلاب به تدریج جنبه مارکسیستی پیدا کرد:

«امر مسلم این است که انقلاب ما رفته رفته از مرزهای ایران و از مبارزه با استبداد تجاوز کرده، داعیه خدمت به اسلام و رسالت جهانی را پیش گرفت و سپس هدف های ثانوی و از جهاتی اصلی آن، درافتادن با امپریالیسم آمریکا و صدور انقلاب برای نجات و برتری مستضعفان جهان گردید. اگر حالت جهانی عام و دفاع انسانی را ... از دست داده باشد، ولی به لحاظ تازگی و اولویت اهداف یا اتخاذ سیاست های تاکتیکی، به طور خواسته یا ناخواسته جهش آشکار به سوی مارکسیسم بین الملل کرده است. با مشتهای گره کرده، جبین درهم رفته و با مرگ خواهی و ستیزه جویی خود، بیشتر یادآور انقلاب های طبقاتی کمونیستی بوده است تا ارائه دهنده چهره تابناک رَحْمَه لِّلْعَالَمِینَ محمدی» (همان، ج ۲۳، ص ۳۳۳).

ارزیابی و نقد

در باب صدور انقلاب و همچنین اهداف، برنامه ها، شیوه ها و ابزار صدور انقلاب، مباحث فراوانی طرح شده است و موافقان و مخالفان زیادی نیز در این باره نظریات خود را ابراز کرده اند. مهم ترین بحث در مورد نگاه منتقدان به مسئله صدور انقلاب، تبیین یا دریافت خطا از صدور انقلاب است. در اینجا لازم است ابتدا نظریه های طرح شده در این باب را اجمالاً بیان کنیم:



الف) دیدگاه اول باتکیه بر شعار بازسازی ملی در قالبی هماهنگ با نظام و عرف بین‌المللی، معتقد است که ارزش‌های انقلاب تنها در چارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و انقلاب اسلامی نباید نسبت به محیط پیرامون موضع تعرضی داشته باشد؛ لذا صاحبان این دیدگاه به طور کلی مخالف صدور انقلاب‌اند و آن را عملی خلاف شئون بین‌المللی می‌پندارند. به اعتقاد این گروه، انقلاب کالا نیست که بتوان آن را صادر کرد. مهندس بازرگان و اعضای دولت موقت از این گروه بودند.

ب) دیدگاه دوم نگاه دسته‌ای دیگر از عناصر ظاهراً انقلابی است که مرزهای ملی را ساخته دوران سلطهٔ استعمار می‌دانستند و معتقد بودند که جهان اسلام زمانی یک کل یکپارچه بوده است که بر اثر تهاجم دو قطب فرهنگ غرب، یعنی ناسیونالیسم و استعمار تجزیه شده است. طرف‌داران این دیدگاه، به «تئوری توطئه» اعتقاد داشتند و هرگونه نابسامانی، عقب‌افتادگی، تحجر فرهنگی و مرزبندی را ناشی از توطئه برنامه‌ریزی‌شدهٔ دولت‌های استعمارگر می‌دانستند؛ از این رو تهاجم دائمی و مستمر به ارزش‌های موجود و تلاش در جهت نابود ساختن رژیم‌های پیرامونی، هدف اصلی این گروه بود و توجیه قدرتمند «اسلام مرز نمی‌شناسد» حربهٔ مناسبی در دستان ایشان برای نیل به این هدف! استفاده از توانمندی‌های نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی جنبش‌های آزادی‌بخش و به خطر افکندن پایه‌های حکومت‌های مستبد، در کانون توجه این گروه قرار داشت. در این دیدگاه، منافع ملی با منافع آرمانی یکسان فرض شده و اولویت در سیاست خارجی، به منافع ایدئولوژیک، آن‌هم با رویکردی خشن و سرکوبگرانه داده شده است.

ج) بنابر دیدگاه سوم، ما باید تلاش کنیم که در داخل، یک امت نمونه بسازیم و از تمامی ابزارهای انقلابی، قانونی و حتی اقتدار نظامی برای تحقق این هدف بهره بجویم و همچنین در عرصه‌های بین‌المللی، سیاستی مسالمت‌آمیز توأم با فرصت‌طلبی را دنبال کنیم. طبق این دیدگاه، در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود، اقدام به مصالحهٔ بین‌المللی و تفاهم با کشورهای قدرتمند ضروری است. این دیدگاه در داخل تا حدود زیادی متأثر از اندیشهٔ انقلابی و در جامعهٔ جهانی، مدافع تفاهم با سیاست دولت‌های قوی است. در این دیدگاه، استفاده از تمام شیوه‌ها برای دستیابی به

اهداف انقلابی مشروع و قابل قبول تلقی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۱۱).

د) دیدگاه چهارم متعلق به امام خمینی علیه السلام است و صدور انقلاب را به معنای صدور معنویت و ارزش‌های اسلامی می‌داند و هر سه دیدگاه پیشین را به طور نسبی رد می‌کند. ایشان دیدگاه ناسیونالیستی را به دلیل تأکید بر خمیرمایه‌های غیردینی در کنار ارزش‌های اسلامی آشکارا نفی می‌کند و گروه دوم به دلیل اندیشه و اقدامات ناصواب و نادیده گرفتن سازوکارهای مناسب برای تعامل با دیگر ملت‌ها توسط امام خمینی علیه السلام مورد طرد قرار گرفته و نیز بی‌توجهی به حرکت‌های مردمی مبتنی بر آگاهی و بیداری و عدم شناخت صحیح از تعاملات منطقه‌ای و جهانی، از نظر امام خمینی علیه السلام نادرست و عقیم به حساب می‌آید. دیدگاه سوم نیز به دلیل فرصت‌طلبی و استفاده ایزاری نسبت به موضوعی مهم، از سوی امام نفی می‌شود (همان، ص ۱۶۱۵).

حال باید دید رویکرد و نگاه امام علیه السلام به مسئله صدور انقلاب چیست؟ از آنجاکه انقلاب اسلامی داعیه پرچم‌داری اسلام دارد و بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و صبغه پررنگ اسلامی دارد، طبعاً نمی‌تواند در مرزهای ایران محصور باشد. علاوه بر این استقبال و تأثیرپذیری ملت‌های مسلمان و حتی غیرمسلمان از آرمان‌ها، اهداف و سیاست‌های انقلاب، بر اهمیت مسئله صدور این انقلاب می‌افزاید.

باتوجه به فرمایشات امام خمینی علیه السلام و سه اصلی که بر آن تأکید دارند ما به اهمیت صدور انقلاب در نگاه ایشان پی می‌بریم، این سه اصل مهم از این قرار می‌باشند:

اصل اول؛ ویژگی جهان‌شمول بودن اسلام و به تبع آن، جهانی بودن انقلاب اسلامی و تعلق آن به همه ملت‌های جهان است؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «این نهضت ایران، نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است، نه برای مسلمین و نه برای ایران ... ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم ... نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی ...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۶). همچنین امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «ما مدعی هستیم که انقلاب ما در عالم نظیر نداشته است برای اینکه اسلامی بوده است؛ و چون اسلامی بود و تمام افراد ملت

شرکت در این امر داشتند، یک انقلابی نبود که یک حکومتی بیاید و حکومتی را ببرد، یا یک نظامی بیاید و یک حکومتی را ساقط کند» (همان، ج ۱۱، ص ۱۴۵).

اصل دوم: اصل بیدار کردن ملل جهان است که از وظایف ذاتی دین و انقلاب اسلامی به شمار می آید:

«این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب‌رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست نخواهند داشت» (همان، ج ۲۱، ص ۸۹).

اصل سوم: لزوم کوشش برای ایجاد حکومت جهانی اسلام است:

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند» (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷).

البته معنا و مفهوم صدور انقلاب در نگاه امام خمینی علیه السلام آن چیزی نیست که بسیاری از افراد، از جمله آقای بازرگان، به آن اعتقاد دارند؛ چراکه صدور انقلاب در این نگاه در حقیقت به معنای صدور تفکر و ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی است و قطعاً به معنای لشکرکشی و جنگ و جدال نخواهد بود و بر همین اساس توجه به جنبه نرم‌افزاری انقلاب اسلامی و نفوذ نرم در افکار عمومی به منظور تحقق سه اصل فوق است؛ چنان‌که کلام امام خمینی علیه السلام چنین آمده است: «ما که می‌گوییم انقلاب‌ها را می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم

این را صادر کنیم، ما نمی‌خواهیم شمشیر و تفنگ بکشیم و حمله کنیم»، (همان، ج ۱۳، ص ۹۰). این صدور به معنای صدور تفکر و اندیشه انقلاب است: «ما از اول گفتیم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم ... صدور انقلاب به لشکرکشی نیست؛ بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم ...» (همان، ج ۱۹، ص ۴۱۴). هدف از صدور انقلاب، نشان دادن راه مبارزه با استکبار است: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸). نتیجه این ایده نیز جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند (همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵) و خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان نیست (همان، ج ۲۱، ص ۸۱). با این رویکرد بود که ایشان صراحتاً تأکید می‌کنند که: «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم [را] کنار بگذاریم»، (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲). همان‌گونه که گفته شد این صدور نه با جنگ و جدال؛ بلکه با تبلیغ (همان، ج ۱۸، ص ۷۲) و دعوت (همان، ص ۱۵۷). صورت می‌پذیرد. به تعبیر آیت‌الله جوادی‌آملی: «همان‌طوری که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با هدایت فکری بود، دوام آن نیز با تداوم دعوت فرهنگی خواهد بود و چنان‌که بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی آغاز شد، نهضت مردم خارج از این مرزوبوم نیز با هدایت مذهبی انجام‌پذیر است و این همان صدور انقلاب اسلامی به خارج از کشورمان است» (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

با این توضیحات، باید گفت که مسئله صدور انقلاب، برخلاف آنچه مهندس بازرگان ادعا می‌کند، نه تنها یک ایده تحمیلی نیست؛ بلکه یک‌رویه طبیعی و معمولی است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی، به این کشور و آن کشور صادر نشده است؛ چراکه انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی، نظامی و امنیتی بشود آن را صادر کرد. [۷] انقلاب اسلامی کالا نیست که بتوان آن را صادر کرد. انقلاب به مانند بوی خوش گل‌ها و باد بهاری است که خودش صادر می‌شود. [۸] افزون‌براین، برخلاف آنچه مهندس بازرگان ادعا می‌کند، این مسئله نه تنها موجب گریزان



شدن ملت‌ها از انقلاب نمی‌شود؛ بلکه بسیاری از ملت‌ها را به خود جلب می‌کند. در حال حاضر، شواهد و قرائن آشکار فراوانی را می‌توان یافت که نشان می‌دهد چگونه آفاق آموزه‌های انقلاب، جهان را درنوردیده و ملل جهان را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. تأثیرپذیری ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان، به‌ویژه جنبش‌های اسلامی، از انقلاب ایران مورد اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران بین‌المللی قرار گرفته است و نیز امروزه این اندیشه بسیاری را به خود جذب کرده است. چنان‌که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «... الان شما در کشورهای گوناگون ملاحظه کنید: این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند، در عراق دارد فعالیت می‌کند. جوان‌های عراقی حرکت کردند همراه ارتش‌شان شدند، توانستند این پیروزی‌ها را به‌دست بیاورند. در سوریه همین‌جور، در غزه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجات مسجدالاقصی هم همین‌جور...» [۹]

همچنین باید گفت که ایده صدور انقلاب برخلاف نگاه مهندس بازرگان، موجب انزوای انقلاب و عامل اتحاد مسلمانان با کفار نشد؛ بلکه بیداری ملت‌ها در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در شرق و غرب کشورهای اسلامی و روی آوردن جوانان مسلمان در کشورهای گوناگون به زیبایی‌های دین و قرآن [۱۰] نشان‌دهنده عدم انزوای جمهوری اسلامی و مخالفت روزافزون مسلمانان با دنیای کفر است، البته پرواضح است که در این میان، حساب برخی دولت‌های مرتجع اسلامی که برخلاف خواست ملت خود، به کفار روی آورده‌اند، از این مقوله جداست. آقای بازرگان همچنین ادعا کرده است که صدور انقلاب به تدریج جنبه مارکسیستی پیدا کرد. در این مورد باید گفت که ایده مارکسیست‌ها در باب صدور انقلاب با ایده و عمل انقلابیون در ایران بسیار متفاوت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باب به نکته مهمی اشاره می‌کند:

«می‌توانند این نظام را در چارچوب مرزهای ایران محبوس کنند. مسلمانان دنیا این نظام را از خود می‌دانند و این همان چیزی است که استکبار را به شدت خشمگین می‌کند. اسم این را صدور انقلاب می‌گذارند؛ یعنی همان تعبیری که انقلابیون مارکسیست، در دهه‌های میانه قرن بیستم، به آن افتخار می‌کردند، درحالی‌که ما به آن معنا و به آن صورت،

معتقد به صدور انقلاب نیستیم. وقتی که این انقلاب، اسلامی است، پس همه مسلمانان عالم، به آن علاقه مند و معتقدند و آن را از خود می دانند».[۱۱]

ایشان درجایی دیگر چنین می فرماید:

... معنای صدور انقلاب با آنچه مارکسیست ها می گویند تفاوت دارد، صدور انقلاب یعنی صادر کردن ارزش های انقلابی، صدور فرهنگ انسان ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش های انسانی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم های عالم.[۱۲] این مفهوم، در قاموس مارکسیست ها جایگاهی ندارد.

بازرگان در حالی از بی نتیجه بودن صدور انقلاب سخن می گوید که در آخرین نظری که یک سال قبل از درگذشت خود، در این باب ارائه کرده بود، از تأثیرات صدور انقلاب سخن گفته است. وی می گوید:

صدور انقلاب و اسلام را که از رایج ترین شعارهای بعد از پیروزی انقلاب و از برنامه های مستمر گردانندگان نظام جمهوری اسلامی است، می توانیم نمونه ای از تأثیرات اجتماعی - سیاسی اندیشه دینی ... بدانیم، به ویژه از دیدگاه بیرونی و تأسی و تحرک فراگیری که قیام قاطع رهبر فقید انقلاب و پایه گذار جمهوری اسلامی ایران در ملت های مسلمان یا مستضعف استعمارزده و اسیر استبداد در آسیا و آفریقا و اقیانوسیه به وجود آورده است. اندیشه انقلاب دینی و صرف قیام کوبنده خمینی علیه آمریکا و غرب اروپا، در این ملت ها چنان روح امید و جسارتی دمید که از هر طرف برای مطالبه حقوق پایمال شده و جبران اسارت و اهانت های گذشته، بی پروا به پا خاستند ... (بازرگان، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

جمع بندی

براساس آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که نگاه مهندس مهدی بازرگان به مسئله صدور انقلاب اسلامی دارای دو مرحله است. در مرحله اول او از این ایده حمایت کرده و بر انجام آن تأکید می کند؛ اما در مرحله دوم وی به عنوان یکی از منتقدین جدی این ایده به شمار می آید. جدای از تناقض گفتاری و رفتاری او در زمینه ایده صدور انقلاب که خود جای بحث مجزا دارد، وی معتقد است که ایده صدور انقلاب ایده ای تحمیلی است که نه تنها باعث گریزان شدن ملت ها از انقلاب می شود؛ بلکه موجب انزوای انقلاب، رفتن مسلمانان به

دامن کفار و سایر معضلات می‌شود، به نظر می‌رسد که نگاه بدبینانه به این مسئله نشأت یافته از دو موضوع است. موضوع اول درک نادرست نسبت به اصل انقلاب و پیام‌ها و دستاوردهای آن و موضوع دوم هم ناشی از عناد نسبت به امام و انقلاب است، نگاه سلبی به مسئله صدور انقلاب اسلامی گرچه پاسخ‌های درخور دارد که در متن پژوهش بدان اشاره شده است؛ اما ضعف‌های این نگاه به مرور زمان و باگذشت سالیان متمادی از تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تمایل ملت‌ها به آن، بیش‌ازپیش عیان شده است.



پی‌نوشت

- [۱]. سخنرانی مهدی بازرگان، تداوم و تحول انقلاب، به مناسبت جشن پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۰؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۲۰۲.
- [۲]. سخنرانی مهدی بازرگان، ارزیابی دستاوردهای چهارساله انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۱۱/۲۲؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۱۵۰.
- [۳]. اولین پیام مهدی بازرگان به ملت ایران بعد از قبول نخست‌وزیری، ۱۳۵۷/۱۱/۲۰؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۱۰۷.
- [۴]. سخنرانی مهدی بازرگان، تجربه ده‌ساله انقلاب اسلامی ایران، به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۱۱/۲۲؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۴۸۱.
- [۵]. سخنرانی مهدی بازرگان، ارزیابی دستاوردهای چهارساله انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۱۱/۲۲؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۱۷۲.
- [۶]. سخنرانی مهدی بازرگان، تداوم و تحول انقلاب، به مناسبت جشن پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۰؛ ر.ک: مجموعه آثار ۲۴، ص ۲۱۴-۲۱۵.
- [۷]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۳.
- [۸]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۸۲/۲/۱۰.
- [۹]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶.
- [۱۰]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در میان نمازگزاران عید سعید فطر، ۱۳۷۲/۱/۴.
- [۱۱]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۶/۳/۱۴.
- [۱۲]. بیانات مقام‌معظم‌رهبری در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۴/۱۹.



فهرست منابع

۱. اسپوزیتو، جان. ال، «جنگ خلیج فارس، جنبش‌های اسلامی و نظم نوین جهانی»، ترجمه م. ضیایی، دوفصلنامه دانش سیاسی، پیش شماره ۳، بهمن و اسفندماه ۱۳۷۲، ص ۹۹-۱۳۰.
۲. بازرگان، مهدی، «سیر اندیشه دینی معاصر (گفتگو با مهندس بازرگان)»، ماهنامه کیان، سال سوم، شماره ۱۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۱۱-۳.
۳. _____، مجموعه آثار، ج ۲۳، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۱.
۴. _____، مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۹۱.
۵. _____، مجموعه آثار، ج ۲۵، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۸۹.
۶. _____، مجموعه آثار، ج ۶، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، تهران: [بی تا]
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، Khamenei.ir.
۸. جوادی آملی، عبدالله، آوای توحید (شرح نامه امام خمینی علیه السلام به گورباچف)، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی، ۱۳۶۷.
۱۰. گروه پژوهش‌های تاریخی انتشارات قلم، بازرگان در اندیشه فرهیختگان، تهران: قلم، ۱۳۹۳.
۱۱. موسوی خمینی، (امام) سیدروح‌الله، صحیفه امام علیه السلام، (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۱۲. _____، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام (مؤسسه چاپ و نشر عروج)، ۱۳۷۴.
۱۳. نجاتی، غلامرضا، خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت (مصاحبه با مهدی بازرگان)، (دوره دوجلدی)، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۱۴. یوسفی اشکوری، حسن، در تکاپوی آزادی، (دوره دوجلدی)، تهران: قلم، ۱۳۷۶.



